

# SID



ابزارهای  
پژوهش



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری  
STES



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی  
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word  
برای پژوهشگران

## بررسی روایت داستانی و روایت تاریخی در رمان‌های احمد محمود

خدیجه حسنی<sup>۱</sup>

### چکیده

منطق زندگی بشر، پیش از آن که علی و معلولی باشد، داستانی - روایی است. هر داستان، روایتی است از رویدادها که در برهه‌ای از زمان بازگو می‌شود یا نمایش داده می‌شود. داستان نویس، همه عناصر روایی را در کنار هم و بر روی زنجیره‌ای از حوادث خیالی یا تاریخی به خدمت داستان در می‌آورد. با پیوند حوادث خیالی و تاریخی و تکنیک‌های روایی داستان، به ترتیب دو نوع روایت داستانی و روایت تاریخی شکل می‌گیرد. احمد محمود، یکی از نویسندگان واقع‌گرای معاصر است که توانسته است تحولات اجتماعی و تاریخی معاصر را با چاشنی خیال و با بهره‌گیری از شگردهای روایی، به صورت زیبا و هنری روایت کند.

در این مقاله، تلاش می‌شود با بررسی دو مقوله فکری - زبانی که در آثار مکتوب تجلی می‌یابد به معرفی و تبیین دریچه تازه‌ای در نقد ادبی بپردازیم؛ برای رسیدن به این منظور، پس از بحث مقدماتی در مورد روایت‌شناسی به معرفی روایت داستانی و تاریخی و سپس سبک احمد محمود پرداخته شده است و با آوردن نمونه‌هایی، نمود این دو گونه روایی را بر اساس چند شگرد روایی، نشان خواهیم داد.

**کلمات کلیدی:** روایت، روایت تاریخی، روایت داستانی، احمد محمود.

### ۱- مقدمه

ادبیات، شاهکار جاودان نوع بشر است. نگاهی به تاریخ مکتوب و شفاهی انسان نشان می‌دهد که آن چه از وی بر جای مانده و خواهد ماند، عقل تاریخمند، اندیشه و محصولات فکری اوست که در قالب‌های مختلف، خودنمایی کرده است و همه آن را می‌توان ذیل نام «ادبیات» جای داد. امروزه نویسندگان هنگام نوشتن، بیش از هر چیزی با هنری کردن سخن و نوشته خود رو به رو هستند. در واقع می‌توان گفت رمان نیز مانند شعر، سعی دارد که از بازگویی صرف، صرف نظر کند. آن چه در خلق آثار ادبی موجب آشنایی زدایی و آفرینش هنری می‌شود، همان روایت است که در آثار مکتوب تجلی می‌یابد.

روایت در معنای عام خود، طبق گفته بارت آغازش ابتدای تاریخ بشر است که قالب‌های زیادی را در بر می‌گیرد؛ اما در معنای خاص آن، دانشی نوظهور است که ریشه در بوطیقای ارسطو دارد و نظریه پردازان روایت، از ارسطو به بعد آن را عنصر اصلی و اساسی متن ادبی دانسته‌اند. شمار کتاب‌هایی که در زمینه روایت نوشته شده است، انگشت شمار است. در زبان فارسی نیز علاوه بر مقاله‌های پراکنده و چند کتاب ترجمه شده مانند **نظریه‌های روایت اثر والاس مارتین، در آمدی نقدانه - زبان‌شناختی بر روایت اثر مایکل جی تولان، در آمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها اثر رولان بارت** و یکی دو کتاب به زبان فارسی - که اگر چه به اسم روایت‌شناسی تألیف نشده است؛ اما کارهای خوبی در زمینه روایت به شمار می‌آیند - مانند **ارواح شهرزاد** از شهریار مندنی پور، **تئوری‌های داستان‌نویسی** از محمود فلکی و **در آمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی** از فتح الله بی‌نیاز، در این زمینه آثار دیگری وجود ندارد.

روایت انواعی دارد که از جمله آن می‌توان به روایت داستانی و روایت تاریخی اشاره کرد. روایت داستانی، روایتی است که حوادث روزمره را بر مبنای خیال و در قالب داستان بیان می‌کند و روایت تاریخی، به روایتی گفته می‌شود که رویدادهای تاریخی را بر مبنای فاکت (fact)ها و در قالب داستان، روایت می‌کند.

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان. [Hassani556@yahoo.com](mailto:Hassani556@yahoo.com)

در این مقاله با درک اهمیت فوق العاده روایت در رمان و به طور کلی در ادبیات داستانی، سعی بر این است که ضمن بررسی روایت داستانی و تاریخی در دو بخش مجزا، به ساختار روایی رمان‌های یکی از نویسندگان معاصر به نام «احمد محمود» دست یابیم. علت انتخاب رمان‌های وی، این است که احمد محمود بیش از هر نویسنده‌ای توانسته است حال و هوای موقعیت‌هایی را که در رمان هایش خلق می‌کند، به مخاطبانش القا کند و به این ترتیب شیوه روایت‌پردازی وی، آثارش را از دیگر نویسنده‌های معاصر شاخص می‌کند.

قابل ذکر است که در مورد رویکرد روایت داستانی و تاریخی در رمان‌های احمد محمود، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است و این مقاله، تلاشی است در زمینه واکاوی روایت داستانی و روایت تاریخی در رمان‌های وی. برای رسیدن به این منظور، با توجه به کمبود منابع در مورد روایت و همچنین سنگینی مضمون بعضی منابع ترجمه شده، به ناچار هم پای استفاده از کتب و مقالات، از درس گفتارها، سخنرانی‌ها و راهنمایی‌های بعضی از دوستان کمک گرفته شده است. اهدافی که در این رساله دنبال می‌شود به طور کلی عبارتند از: درک جایگاه روایت تاریخی و داستانی در رمان‌های احمد محمود و چگونگی دگردیسی روایت تاریخی به روایت داستانی.

## ۲- روایت (narrative) چیست؟

ادبیات، نظام نشانه‌هاست؛ اما با تمامی نظام‌های نشانه‌ای و هنرهای دیگر در یک نکته اصلی تفاوت دارد و آن این است که ماده اصلی آن و ساختار بنیادینش زبان است. در واقع دارای نظام دلالت گونه دیگری است که مانند هر نظام دیگری باید روابط ساختمند و هدفمند آن را شناخت (احمدی، ۱۳۷۲: ۵۰). به گفته لوتمن:<sup>۱</sup> «داستان زبان خود را داراست، این زبان نیز، ساختاری دارد برتر از ساختار زبان طبیعی. ادبیات، با زبان ساخته می‌شود اما از آن فراتر می‌رود و زبان ویژه خود را می‌یابد و نشانه‌ها و قاعده‌هایی را می‌آفریند تا پیام ویژه خود را ساده‌تر بیان یا ارائه کند و این پیام از هیچ راه دیگری (و از راه زبان طبیعی) ارائه شدنی نیست» (همان: ۱۲۸).

روایت، زبان داستان است که به عنوان یکی از عناصر آن، در رابطه‌ای اندام‌وار با دیگر عناصر،<sup>۲</sup> کل داستان را می‌سازد. از بین عناصر داستان، مبحث کلیدی، بحث روایت است. اکثر روایت‌شناسان، روایت را متنی می‌دانند که قصه‌ای را بیان می‌کند و یک قصه گو دارد (تولان، ۱۳۸۳: ۱۵). به عقیده ژنوید لوید، مهم‌ترین عنصر داستان، روایت است؛ همان‌طور که می‌توان مهم‌ترین عنصر شعر را، استعاره نامید (لوید، ۱۳۸۰: ۲۱۸). شناخت روایت هم به ما کمک می‌کند داستان را بهتر بشناسیم و هم کمک می‌کند بهتر داستان بنویسیم. روایت نیز همانند زبان به خاطر آشکار و طبیعی بودنش بدیهی فرض شده است؛ به طوری که ممکن است نقش تأثیر گذاری آن نادیده گرفته شود.

ریشه یونانی روایت، از فعل گناروس (gnarus) که به معنای «دانستن» است، گرفته شده است؛ این بدان معناست که روایت، شکلی از دانش است و راوی کسی است که می‌داند (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۱۱). به عبارت دیگر، دانش در جامعه به شکل روایت، تولید و منتقل می‌شود.

روایت، معادل واژه انگلیسی «narrative» است که در لغت، به معنای بیان وقایع در داستان، می‌باشد. واژه «narrative»، در اکثر لغت‌نامه‌ها، به عنوان قصه و داستان نیز برگردان شده است؛ اما از آن جایی که در قصه و داستان ما بیشتر با حوادث غیر واقعی سر و کار داریم، ترجیح دارد که این واژه را معادل «روایت»، در نظر بگیریم؛ چون در روایت، سر و کار ما با واقعیت‌هایی است که افراد متفاوت، آن را به شیوه خاص خود نقل می‌کنند (سبز علی سنجانی، ۱۳۸۶: ۱۰).

1. Lotman, Iurii Mikhailovich

<sup>۲</sup> عناصر دیگر داستان، عبارتند از: شخصیت، داستان داستان (رخداد)، پیرنگ، زمان، مکان، نثر و غیره.

تاکنون، تعریف‌های زیادی در زمینه روایت ارائه شده است. ژاک دریدا<sup>۱</sup> معتقد است: «روایت شکل ضروری بیان زمان است و انسان‌ها فهم خود را از زمان مدیون روایت هستند. روایت، گذشته و آینده را در قالب زمان حال (زمان گفته) به تصویر می‌کشد» (افخمی، ۱۳۸۲: ۵۷).

روایت «راهبرد داستان‌شدگی ماجراها و رویدادهایی که از خودکارشدگی‌شان در سطح نازل یک گزارش، نجات یافته و شائبه ملال را از خود زدوده‌اند» (مهدی زاده فرد، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

«روایت، نقل رشته‌ای از حوادث واقعی و تاریخی یا خیالی است؛ به نحوی که ارتباطی بین آن‌ها وجود داشته باشد...، روایت به سؤال چه اتفاق افتاد؟، جواب می‌دهد و داستان را نقل می‌کند» (میر صادقی، ۱۳۷۷: ۱۵۰). «روایت، مرتب و منظم حوادث است. بیان تسلسل و توالی حوادث و اتفاقاتی است که در داستان رخ می‌دهد» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

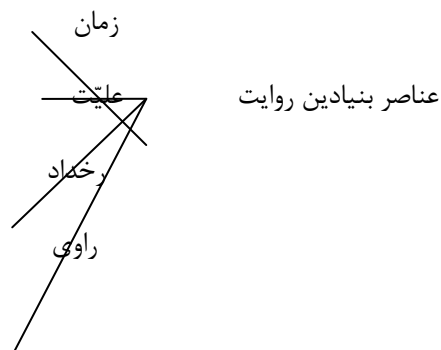
در فرهنگ لغت چمبرز (۱۹۸۵)، روایت به این صورت تعریف شده است: «ارائه گزارشی از هر واقعه ممکن، گزارشی دنباله دار از هر مجموعه از وقایع، داستان گویی است» (همان: ۱۱). کلی (۲۰۰۰) معتقد است: «روایت، سازه‌ای است که ما آن را به کار می‌بریم تا به معنی امور مختلف دست یابیم» (به نقل از سبزی علی سنجانی: ۱۰). وایت<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، به نقل از: کلی، (۲۰۰۰)، تعریف جامع‌تری در زمینه روایت ارائه می‌دهد. وی می‌گوید: «اظهارات افراد در مورد تجارب خود در زندگی‌شان و این اظهارات، حاصل تفسیرهای آن‌هاست؛ تفسیرهایی که از طریق آن‌ها، به تجارب خود از دنیا معنی می‌دهند» (به نقل از سبزی علی سنجانی، ۱۳۸۶: ۱۰).

روایت، یکی از انواع بیان است که به گفته بارت، در همه فرهنگ‌ها، زبان‌ها و تاریخ‌ها، به عنوان نخستین شیوه ارتباط و بیان تجربه‌ها، وجود دارد (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۱۱). آسپرگر نیز، معتقد است که روایت از نخستین روزهای زندگی، یعنی از زمانی که مادرانمان اشعار کودکانه را برای ما بازخوانی می‌کنند، وجود دارد. بنابراین، طبق گفته وی، می‌توان همه ترانه‌ها، اشعار ساده کودکانه و لالایی‌ها را روایت به شمار آورد (آسپرگر، ۱۳۸۸: ۱۶). وبستر نیز، روایت را زیر بنا یا ساختار دهنده انواع مختلف معرفت؛ یعنی، هر نوشتار و تفکر می‌داند (افخمی، ۱۳۸۲: ۵۷). به عقیده یاکوب لوته، روایت در اغلب افکار ما و حتی رؤیاهایمان نیز، وجود دارد (لوته، ۱۳۸۶: ۹).

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت منطق زندگی بشر، پیش از آن که علی و معلولی باشد، منطقی داستانی است و این رویدادها هستند که زندگی ما را شکل می‌دهند و هر داستان، توالی رخدادها در بستر زمان و در واقع روایتی از رخدادها است، پس روایت آن چیزی است که داستان را باز گوید یا نمایش دهد؛ این نمایش و بازگویی باید در برهه‌ای از زمان باشد. به جز عنصر «زمان»، آن چه روایت را از توصیف و دیگر بیان متمایز می‌کند، «ارتباط غیر تصادفی» است. مایکل جی. تولان<sup>۲</sup> معتقد است در هر داستان وضعیت یا موقعیت‌های شناخته شده‌ای وجود دارد، آن گاه چیزی رخ می‌دهد و این وضعیت تغییر می‌یابد. به گفته وی، روایت عبارت است از: «توالی از پیش‌انگاشته شده رخدادهایی که به طور غیر تصادفی، به هم اتصال یافته‌اند» (تولان، ۱۳۸۳: ۲۰). با توجه به تعریف تولان، «رخداد» یا «تغییر وضعیت» (به تعبیر پراپ<sup>۱</sup>)، پایه و اساس هر روایت است و نیز با توجه به عبارت «اتصال یافته‌اند»، یک عامل ذهنی یعنی راوی باید این رویدادها را به هم پیوند دهد.

- 
1. Derrida . Jacques
  1. White
  2. Michael J. Toolan
  
  1. Propp, Vladimir

با توجه به تعریف تولان عناصر بنیادین روایت را، به صورت نموداری می‌توان نشان داد.



به عقیده تولان بارت<sup>۲</sup>، شاید ساده‌ترین و در عین حال کامل‌ترین تعریف از روایت، همین تعریف تولان باشد. بارت، تعریف تولان از روایت را به این صورت تفسیر می‌کند: «در واقع در بطن هر روایت، دو ویژگی بسیار مهم دیده می‌شود: علیت و زمان‌بندی. واژه‌های «غیر تصادفی» و «توالی»، در تعریف، بیانگر همین نکته هستند. با توجه به تعریف فوق می‌توان دایره موضوعاتی را که از زاویه روایت مورد بررسی قرار می‌گیرند بسیار وسیع تصور کرد؛ مجموعه‌ای که اخبار روزنامه‌ها، کتاب‌های تاریخی، رمان‌ها، فیلم‌ها، کمیک استریپ‌ها، پانتومیم، رقص، غیبت (gossip)، جلسات روانکاوی ... را در بر می‌گیرد» (بارت، ۱۳۸۷: ۹). وی در جایی دیگر درباره وسعت موضوعی و جهان شمولی روایت می‌گوید: «روایت در اسطوره (myth)، افسانه (legend)، قصه حیوانی (fable)، قصه (tale)، نوولا (novella)، حماسه، تاریخ، تراژدی، درام، کمدی، میم، نقاشی (سنت اورسلا (Saint Ursula) از «کارپاچو» (Carpaccio) را به خاطر آورید)، پنجره‌های شیشه کاری رنگی، سینما، فکاهی مصور (comic)، عناوین خبری و گفتگو حضور دارد. افزون بر این، روایت بر اساس تنوع تقریباً نامحدود شکل‌ها، در هر عصر، مکان و جامعه‌ای حاضر است: روایت، دقیقاً با تاریخ بشر آغاز می‌شود و هیچ کجا انسانی بدون روایت نبوده است. همه طبقات و گروه‌های انسانی، روایت‌هایشان را دارند؛ لذتی که عموماً انسان‌ها، با زمینه‌های فرهنگی مختلف یا حتی متضاد، در آن سهیم شده‌اند. دسته‌بندی میان ادبیات خوب و بد اهمیتی ندارد، روایت جهانی است: فرا تاریخی، فرا فرهنگی: به سادگی، مثل خود زندگی است» (بارت، ۱۳۸۷: ۲۷). با توجه به مطالب گفته شده، روایت در معنای عام آن، تمام جهان را در بر می‌گیرد و برای تعیین اشکال و قالب‌های روایت نیز، هیچ حدّ و مرزی وجود ندارد و عنصر و فصل مشترک همه روایت‌ها، «داستان» است. در واقع هر چیزی که داستان را باز گوید یا نمایش دهد، روایت است.

اقلاً، روایت در معنای خاص یا ادبی آن، مهم‌ترین عنصر داستان به شمار می‌رود. جریان ادبیات داستانی و روایت ادبی جنبه واقعی خود را، در قرن بیستم با روی کار آمدن نحله‌های ادبی، مثل ساختارگرایی، به ویژه فرمالیسم روسی و با چاپ کتاب ریخت‌شناسی پریان توسط پراپ پیدا می‌کند. فرمالیست‌های روسی برای اولین بار با جدا کردن دو مفهوم داستان و طرح (روایت)، روایت داستانی را به صورت ادبی بررسی کردند. آن‌ها، روایت داستانی را، به دو جزء تقسیم کردند: داستان (story) و متن (textdiscourse) که آن را طرح اولیه و طرح ثانویه می‌نامند. به زبانی ساده، سیر گاهشمارانه حوادث، وقتی به ترتیبی منظم، در کنار هم قرار می‌گیرند، داستان (ماده اولیه و خام) نامیده می‌شود و پردازش این ماده اولیه و خام به صورت یک متن نهایی و آن چه روبروی خواننده قرار می‌گیرد، روایت یا طرح نامیده می‌شود. تمایز میان داستان و طرح (روایت)، از مهم‌ترین دستاوردهای فرمالیست‌های روسی است.

## 2. Barthes, Roland

### ۳- روایت داستانی و تاریخی

همان‌طور که اشاره شد، روایت در مفهوم عام آن در همهٔ قالب‌ها و فرهنگ‌ها وجود داشته و دارد و حتی می‌توان حضور آن را در زندگی روزمره دید؛ اما روایت در معنای خاص یا در مفهوم ادبی آن، که در ادبیات داستانی وجود دارد، امری ساختگی است که با نظریات فرمالیست‌های روسی آغاز می‌شود. در واقع، حادثه‌ای رخ می‌دهد و دوباره به شکلی بازسازی می‌شود. روایت ادبی با توجه به موضوع آن به دو نوع روایت تاریخی و داستانی تقسیم می‌شود. پل ریکور نیز، بین سه روایت فرق می‌گذارد: «۱- روایت تاریخی، ۲- روایت داستانی، ۳- روایت خواننده» (بشردوست، درس گفتارها، ۱۳۹۱: ۶ و ۷ به نقل از ارغنون ۷ و ۸).

روایت داستانی، حوادث روزمره را بر مبنای خیال و بر اساس شگردهای روایی، در قالب داستان بیان می‌کند و روایتی مصنوع و ساختگی است که دارای راوی، زمان و مکان می‌باشد و همان‌طور که گفته شد، جریان واقعی خود را از قرن بیستم و با تمایز بین «داستان» و «طرح» آغاز می‌کند.

روایت تاریخی، رویدادهای تاریخی را بر مبنای واقعیت‌ها و فاکت (fact)ها، براساس شگردهای روایی و در قالب داستان بیان می‌کند. روایت تاریخی، مستند است. به واقعه خاصی اشاره دارد؛ ولی، روایت داستانی، تخیلی است و نویسنده پس از تقلید موضوع آن از عالم واقع، در آن دخل و تصرف می‌کند.

### ۴- سبک احمد محمود

احمد محمود، نویسنده‌ای جنوبی و یکی از نویسندگان نسل دوم ایران و از موفق‌ترین آنهاست که به مستندسازی و واقع-گرایی ادبی، گرایش دارد و آثارش، به معنای واقعی، در شمار ادبیات رئالیستی قرار می‌گیرد. او بیش از هر نویسندهٔ دیگر توانسته است حال و هوای موقعیت‌هایی را که در داستان‌هایش خلق می‌کند، به مخاطبانش القا کند و آثارش موجب شکل-گرایی مکتب یا شیوه نگارش نویسندگان جنوب است.

رابطهٔ احمد محمود و زمینهٔ ویژهٔ اجتماعی که او به آن تعلق دارد در اپیزودهای جنوب و خوزستان به روایت راوی بیان می‌شود. شیوهٔ روایت پردازی احمد محمود که آثارش را از دیگر نویسندگان، شاخص می‌کند، به طور کلی عبارتند از: رئالیسم اجتماعی، ساده و بی تکلف بودن و تعهد نویسنده در تصویر کردن مسائل پر اهمیت تاریخی و اجتماعی.

جواد مجابی می‌گوید: «بازنگری کلی آثار محمود از آغاز تا امروز، او را روایتگر مردمان فقیر، در جامعه‌ای توسعه نیافته نشان می‌دهد. شناخت عمیق و بی واسطهٔ او از زندگی و ذهنیات صیادان فقیر، کارگران کشتی، بیکار شده‌ها، ناطور‌ها، لنج‌برها و قاچاقچیان بندر و گاه، قهرمانان شهری چون پیشه‌وران و کسبه و زندانیان سیاسی، از سویی آثار او را در شمار ادبیات واقع‌گرا و مبارز و در عین حال هیجانی معرفی می‌کند و از طرفی داستان‌های کوتاه و رمان‌های ارزشی مردم شناسانه و جامعه‌شناختی دارد ... تا آن جا که او به گزارش واقعیت پیرامونی در شرایط مبارزه، روزگار شکست، انقلاب و جنگ می‌پردازد... و اعتبار او در جامعهٔ ادبی به خاطر ترسیم فضای شبه تاریخی صادقانه‌اش در جامعه‌ای ملتهب و طوفان زده است» (آقایی، ۱۳۸۳: ۳۹۷ و ۳۹۸).

### ۵- رویکرد روایت تاریخی و داستانی در رمان‌های احمد محمود

رمان‌نویس آگاه و زیرک، کسی است که از روی تجربه یا شمع خود، دریابد که وظیفه‌اش چیست و سپس متناسب با روحیه انسان‌ها اقدام کند. داستان و تخیل همواره چیزی است که برآمده از فطرت انسان و متناسب با آن است. لذا، پوشاندن لباس تخیل و داستان بر حوادث تاریخی و اجتماعی بهترین ترفند برای ماندگار کردن زمان گریزپای است و تحقیق درباره جوانب گوناگون آن، برای شناسایی و شناساندن آن، همواره شایسته خواهد بود.

احمد محمود نویسنده‌ای واقعگراست. لازمه واقعگرایی نمایش «جریان زندگی» است، آن گونه که هست نه آن گونه که باید باشد. از آن جایی که زندگی تلفیقی از خیال و وقایع سرنوشت‌ساز تاریخی است، وی نیز به عنوان بازگوکننده و نمایش دهنده این جریان، باید ابزاری تلفیقی به دست گیرد تا دین خود را در این زمینه ادا کند. وی هم در روایت داستانی که واقع‌نمایی امور خیالی و محتمل است و هم در روایت تاریخی که بازنمایی حوادث تاریخی است، رویکردی تلفیقی دارد؛ به این معنا که خیال را در لابه لای تاریخ روایت می‌کند و تاریخ را رنگ خیال می‌زند. به علاوه، جدای از محتوای تلفیقی، در هر دو نوع روایت، با تلفیق شگردهای داستان‌پردازی، از قبیل زمان‌گردانی، گفتگو، فلاش‌بک، پرش به آینده، تغییر زاویه دید و غیره روایتی جاندار و زیبا به تصویر می‌کشد.

به این ترتیب، تاریخی که احمد محمود روایت می‌کند، ترکیب هنرمندانه‌ای از حوادث واقعی و خیالی و شخصیت‌های ذهنی است که از گزارش ساده و خطی مؤرخان فراتر می‌رود و به رمان تبدیل می‌شود. وی شخصیت‌ها، مکان‌ها، اسامی و هر آن چه که در پیشبرد تاریخش نقش داشته باشد را از دل تحولات اجتماعی - تاریخی عصر خود بیرون می‌آورد و تمام عناصر داستان را در خدمت روایت خود به کار می‌گیرد.

#### ۶- چگونگی دگردیسی روایت تاریخی به داستانی

تاریخ به خودی خود، داستان نیست؛ بلکه حوادثی است که در برهه‌ای از زمان، اتفاق افتاده است. زمانی که شخص یا داستان‌نویس این حوادث تاریخی را با شگردهای داستان‌نویسی نقل می‌کند، به داستان تبدیل می‌شود؛ در این صورت، حوادث تاریخی روایت شده، تاریخ نیست، بلکه داستان یا رمانی است که ویژگی‌ها و عناصر روایت داستانی را به خود گرفته است. در زیر به چند تکنیک روایی که عامل تبدیل روایت تاریخی به داستانی است، اشاره شده است.

#### ۶-۱- ماضی روایتی<sup>۱</sup>

در متون تاریخی، تمام فعل‌ها و قیده‌های ماضی، دارای کارکردی متناسب با همان زمان هستند؛ یعنی برای فعل گذشته «جنگید»، قیدهایی متناسب آن، نظیر «دیروز، سال گذشته، یک ماه پیش و غیره، استفاده می‌شود؛ در صورتی که در روایت داستانی یا تخیلی، چنین الزامی وجود ندارد و می‌توان قیده‌های زمانی آینده و حال را با فعل گذشته تلفیق کرد و برعکس؛ به عنوان مثال، قید زمانی «فردا»، که مربوط به زمان آینده است را می‌توان با فعل گذشته «جنگید»، آورد: «فردا با دشمن جنگید». بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت، در روایت تاریخی که همه فعل‌ها و قیده‌های متن، روی یک خط مستقیم زمان گذشته پیش می‌روند، با اندکی تصرف در ساختار زبانی آن، به مرز داستان شدگی تبدیل می‌شود. همچنین، در برخی داستان‌ها، صورت وارونه این ظرفیت (زمان گردانی فعل)، وجود دارد؛ یعنی راوی در ضمن واکاوی ذهنیت شخصیت‌های داستانش، افکار درونی آن‌ها را برای مخاطب نمایش می‌دهد و راوی در چنین مواقعی، هنجار زمان گذشته را که کل داستان با آن پیش می‌رود، می‌شکند و بازگویی اندیشه‌های درونی شخصیت‌ها را با چند فعل متوالی، به زمان حال، می‌نویسد (مهدی زاده فرد، ۱۳۸۸: ۱۴۳ - ۱۴۶).

## ۶-۲- افعال جریان بیرونی<sup>۱</sup> و درونی<sup>۲</sup>

«فعال‌هایی مانند رفتن، نشستن، خوردن و ... که حالت کنش بیرونی شخص را نشان می‌دهند، فعل‌های جریان بیرونی هستند؛ فعل‌هایی که ما از بیرون در مورد شخصی واقعی شاهدیم یا به کار می‌بریم. اما فعل‌هایی مانند فکر کردن، احساس کردن، امیدوار بودن و ... به حوزه فعل‌های جریان درونی تعلق دارند. به این معنا که در مورد یک شخص واقعی می‌توان جریان بیرونی را به کار گرفت؛ ولی فعل‌های جریان درونی تنها به جهان روایت یا داستان تعلق دارند ...» (به نقل از فلکی، ۱۳۸۲: ۳۳). در تکمیل نقل قول فلکی، باید افزود که در مورد توصیف اشخاص داستانی، هر دوی افعال بیرونی و درونی را می‌توان به کار گرفت؛ اما، در مورد اشخاص واقعی غیر داستانی فقط می‌توان از جریان افعال بیرونی استفاده کرد (مهدی زاده فرد، ۱۳۸۸: ۱۴۷ و ۱۴۸)؛ بنابراین گزارش افعال بیرونی اشخاص از عهده متون غیر داستانی هم بر می‌آید؛ اما، گزارش افعال درونی صرفاً به ظرفیت متون تخیلی و داستانی مربوط می‌شود.

## ۶-۳- پیش رفتگی روایت<sup>۱</sup>

دو نوع ارائه روایت وجود دارد: خطی و روایت دایره‌وار؛ در روایت خطی، حوادث به ترتیب زمان تقویمی و روابط علی پیش رفته‌اند و از پرش‌های زمانی (از آینده به گذشته، از حال به گذشته و ...)، حضور جملات انشایی (امر، نهی، پرسش و ...) و همچنین گزاره‌های اشارتی و بسیار فشرده، استفاده نمی‌شود؛ از این شیوه، در ارائه روایات واقعی و تاریخی استفاده می‌شود؛ اما، در روایات داستانی، راوی با شکستن هنجار مستقیم روایت خطی<sup>۲</sup>، دایره‌وار به نقل حوادث می‌پردازد. از شاخص‌های شیوه شکست روایت خطی<sup>۳</sup> برخلاف روایت خطی، آوردن جمله‌های انشایی، پرش‌های زمانی، گزاره‌های انشایی و فشرده، جملات پیش‌گویانه و ... می‌باشد (مهدی زاده فرد، ۱۳۸۸: ۱۵۱ - ۱۵۷).

## ۶-۴- روایت میان افزود<sup>۴</sup>

این شگرد، در ساختار داستانی به کار گرفته می‌شود که دارای دو عنصر کنش (function) و گفتگو (dialogue)، باشد. در این داستان‌ها، هرگاه گفتگو و کنش شخصیت‌ها، نه هم زمان؛ بلکه، به تناوب، یکی پس از دیگری و دوشادوش همدیگر می‌آیند، روایت میان افزود به وجود می‌آید. ویژگی مهم روایت میان افزود، تحرک و سرزندگی کنش داستان به سبب تکرار تناوبی گفتگوهاست. از نمونه برجسته روایت میان افزود در داستان‌های معاصر، می‌توان به شیوه روایی داستان‌های «احمد محمود» اشاره کرد (مهدی زاده فرد، ۱۳۸۸: ۱۵۷ و ۱۵۸).

## ۷- نمونه‌هایی از روایت تاریخی، بر اساس تطابق آن با شگردهای روایی

1. Extenal Verbs

2. Intenal Verbs

1. Narrative Procceing

2. linear narrative

3. interruption of linear narrative

4. Intercalated Narrative



## ۷-۱- ماضی روایتی

«... درست بعد از کودتای سی و دو اعتصابات شروع شد (مدار صفر درجه، ۱۳۸۰ : ۳۳۴).

در مثال بالا، فعل ماضی «شد» همراه با قید آینده «بعد» آمده است که در این صورت، رخداد تاریخی کودتای ۱۳۳۲ که در بستر زمانی گذشته رخ داده است، با این شگرد به داستان تبدیل شده است.

## ۷-۲- افعال درونی

«سرمقاله، مطلبی است دربارهٔ فرانکو، دیکتاتور اسپانیا. باید با مبارزان اسپانیا همدردی کنیم» (همسایه‌ها، ۱۳۵۳: ۲۳۲).

فعل «همدردی کنیم»، فعلی درونی است که با آوردن آن، جریان تاریخی «فرانکو، دیکتاتور اسپانیا» به داستان تبدیل شده است.

## ۷-۳- پیش رفتگی روایت

الف. فلاش بک

«باد کم جانی، شاخه‌های نخل بلند پایهٔ وسط حیاط را می‌لرزاند. خش خش شاخه‌ها، انگار که ذهنم را شیار می‌زند

- جنگ منطق خودش را داره!

باران پیش رویم، قد کشیده است

- ... ای نامردا را بیرون می‌کنیم... اصلاً برا همین می‌جنگیم!

حالا ننه باران است

- شیر نرم را فرستادن جبههٔ دارخوین!...» (زمین سوخته، ۱۳۸۱: ۲۵۱).

فلاش بک یا بازگشت به گذشته، شگردی است که تاریخ را به داستان تبدیل می‌کند. در مثال بالا حرف از جنگ از زبان شخصیت‌های داستان در ذهن راوی داستان تداعی می‌شود.

ب. پرش از گذشته به حال

«دو شب قبل، تلویزیون بصره، سقوط دب حردان، را پخش کرده بود. حالا، شب که می‌شود، همهٔ مردم، تلویزیون بصره را می‌گیرند» (زمین سوخته، ۱۳۸۱: ۲۵).

در مثال بالا، واقعهٔ تاریخی «سقوط دب حردان» در زمان گذشته است؛ اما در جملهٔ بعد، زمان به حال می‌پرد.

ج. پرش از حال به آینده

«رادپو بغداد، تهدید می‌کند که شهرها را خواهد کوبید» (همان: ۷۵).

در بالا، فعل «تهدید می‌کند»، زمان حال است؛ اما در جملهٔ بعد فعل آینده است. با توجه به مثال‌های بالا می‌توان نتیجه گرفت که «زمان پریشی» یا تغییر زمان افعال از شگردهای داستان‌نویسی است و وقایع تاریخی از این طریق به داستان تبدیل می‌شوند.

د. جملات انشایی

«کشتی جنگی انگلیسی‌ها، دمش را انداخت رو کولش و رفت...» (همسایه‌ها، ۱۳۵۳: ۲۳۱).

یکی از عوامل ایجاد جملات انشایی، کاربرد آرایه‌های ادبی است. «تشخیص» یکی از آرایه‌هایی است که جمله انشایی می‌سازد و کاربرد جملات انشایی عاملی برای خلق داستان یا تبدیل حوادث تاریخی به داستان است. در مثال بالا کشتی به حیوانی تشبیه شده است که «دم» دارد.

#### ۷-۴- روایت میان افزود

کنش { صدای سرگرد زیننده، پایین می‌افتد و ادامه می‌دهد }

— من از «مردم» ارگان کمیته مرکزی حزب منحلۀ توده، حرف می‌زنم.

— تو با این روزنامه و چاپخانه این روزنامه، چه رابطه‌ای داری؟

کنش { احسان، آرام حرف می‌زند }

— من کاسبم. من کارگر چاپخانه نیستم و تازه سواد درست و حسابی ندارم که روزنامه بخوانم. (داستان یک شهر، ۱۳۸۴: ۲۹۸).

شگرد گفتگو و کنش از مهم‌ترین شگردهای داستان نویسی است و نویسنده می‌تواند هر موضوعی از جمله موضوعات تاریخی را مبحث گفتگو قرار دهد و به این ترتیب دست به خلق داستانی واقعگرا بزند.

#### ۸- نمونه‌هایی از روایت داستانی

##### ۸-۱- ماضی روایتی

«شب اول را تو انفرادی گذراندیم و روز بعد، استوار تنومندی که تا شیراز همراهان بود، آمد. (داستان یک شهر، ۱۳۸۴: ۵۷۹)

همان‌طور که گفته شد، کاربرد فعل گذشته با قید آینده، یکی از شگردهای داستان نویسی است. در مثال بالا، موضوع تبعید راوی که حاصل خیال نویسنده است و نه رخدادای واقعی، با این شگرد به داستان کشیده شده است.

##### ۸-۲- افعال درونی

«می‌خواهم فریاد بکشم و از تو زیر زمینی فرار کنم» (زمین سوخته، ۱۳۸۱: ۳۱۱).

«فریاد کشیدن»، یکی از افعال درونی است که در این مثال، از طریق آن، یک واقعه عادی و خیالی به صورت داستان بیان شده است.

##### ۸-۳- پیش‌رفتگی روایت

الف. فلاش بک

«- تو بچه‌ای - تازه الکی بُر خورده بودی!» (مدار، ۱۳۸۰: ۵۴۵). در این مثال، جمله «تو بچه‌ای» به زمان حال است؛ اما در جمله بعد، فعل به گذشته یعنی ماضی بعید تغییر یافته است و موضوع هر دو جمله، عادی است.

ب. پرش از گذشته به حال

«...پریشب خیال می‌کردن که بیخودی حرف می‌زنیم؛ اما حالا، دستگیرشون شده که قضیه جدیه». (همسایه‌ها، ۱۳۵۳: ۴۷۸)

در مثال بالا، فعل «خیال می‌کردن»، به زمان گذشته است؛ اما جمله بعد، فعل به زمان حال است.

ج. پرش به آینده

«باران رگبار شده است. اگر اینطور ببارد، سیلاب خواهد شد» (همسایه‌ها، ۱۳۵۳: ۱۰۸).

در این مثال، فعل جمله اول، ماضی نقلی («شده است») است، اما در جمله بعد فعل به زمان آینده تغییر یافته است.

د. جملات انشایی

«هر دو، رخت یکسان پوشیده‌اند و هر دو را انگار به یک قالب ریخته‌اند» (درخت، ۱۳۷۹: ۸۹۹).  
تشبیه نیز عامل ایجاد جمله انشایی است. در مثال بالا، دو نفر آنقدر به هم شبیه‌اند که گویی در یک قالب ریخته شده‌اند.

#### ۸ - ۴ - روایت میان افزود

کنش { «چراغ‌ها روشن می‌شود. فرامرز می‌خواهد ریشه‌های چراغ‌های رنگی را بشمارد. می‌گوید {

- با همین تزئینات، مردم خر می‌کنن.

کنش { تاج املاک می‌گوید {

- به خاطر خدا هیچی نگو

- چشم عمه تاجی. نمی‌گم. ولی باور بفرمایید همین که عرض کردم!

کنش { می‌روند طرف شاخه شرقی. تاج املاک می‌گوید {

- چرا حرف بی خود می‌زنی فرامرز جان؟!...» (درخت، ۱۳۷۹: ۴۲۸).

در مثال بالا، یک موضوع عادی و روزمره، به صورت کنش و گفتگوی شخصیت‌ها، روایت شده است.

نمونه‌های بالا نشان می‌دهد که در روایت داستانی نیز مانند روایت تاریخی از همان شگردها استفاده شده است با این تفاوت که در روایت تاریخی موضوعات و حوادث تاریخی و واقعی با شگردهای داستان نویسی به داستان تبدیل شده است اما، در روایت داستانی، نویسندگان موضوعات خیالی و عادی را از طریق همان شگردها، روایت کرده است.

#### ۹ - نتیجه‌گیری

آن چه می‌توان به عنوان نتیجه در این پژوهش ارائه کرد، به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱- رویکرد روایت تاریخی و داستانی در رمان‌های احمد محمود، رویکردی تلفیقی است؛ به این معنا که در رمان‌های وی سیاست، تاریخ و جامعه و خانواده با هم آمیخته است.
  - ۲- روایت احمد محمود از تاریخ نه برگردانی از تاریخ و نه تحریف واقعیت است؛ بلکه وی تاریخ را، به صورت هنری و زیباشناسانه روایت کرده است. در واقع تاریخ وی، روایتی هنرمندانه از تاریخ و تحولات اجتماعی است.
  - ۳- از آن جایی که زیر بنای تاریخ و داستان، واقعیت است، احمد محمود با بهره‌گیری از شگردهای روایت واقعگرا به واقع نمایی و بازنمایی داستان و تاریخ می‌پردازد.
  - ۴- زیرساخت رمان‌های احمد محمود به طور کلی، تحولات تاریخی و اجتماعی است.
  - ۵- بررسی رمان‌های احمد محمود نشان می‌دهد که میزان وجود روایت تاریخی و داستانی در رمان‌های وی یکسان نیست:
- **رمان همسایه‌ها و داستان یک شهر** دارای زیر ساختی سیاسی-تاریخی است؛ اما، فقط حدود ۲۰ درصد از روساخت آن را روایت تاریخی شکل می‌دهد و ۸۰ درصد آن، شامل رویدادها و شخصیت‌های تخیلی و داستانی است.
  - **رمان زمین سوخته** روایتی از جنگ است و علیرغم بعضی روایت‌های داستانی و تخیلی در آن، حدود ۹۰ درصد آن را، روایت تاریخی در بر گرفته است.
  - **رمان مدار صفر درجه** از آن جایی که داستان‌های فرعی زیادی مانند داستان مائده و باران، داستان بچه دار شدن نوذر و بلقیس، داستان منیژه و نامدار، یارولی و بی بی و غیره در آن وجود دارد و همچنین روایت‌ها و ماجراهای تاریخی، متناسب با فضای این داستان‌ها در سراسر رمان گسترده شده است؛ لذا، می‌توان گفت روایت داستانی و روایت تاریخی در آن، تقریباً به طور مساوی وجود دارد.
  - **رمان درخت انجیر معابد** روایتی کاملاً داستانی است؛ اگر چه، زیرساخت آن، فضای تاریخی و اجتماعی حاکم است.

#### فهرست منابع

- آسابرگر، آرتور (۱۳۸۰)، **روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره**، ترجمه محمدرضا لیراوی، تهران: سروش، چاپ اول.
- آقایی، احمد (۱۳۸۳) **بیدار دلان در آینه نقد (معرفی و نقد آثار احمد محمود)**، تهران: به نگار، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲)، **ساختار و تأویل متن**، ج ۱، تهران: مرکز، چاپ دوم.
- بارت، رولان (۱۳۸۷)، **در آمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها**، ترجمه محمد راغب، تهران: فرهنگ صبا با حمایت مؤسسه فرهنگی، هنری رخداد نو، چاپ اول.
- بشردوست، مجتبی (۱۳۹۱)، **درس گفتارها**، ترم دوم، درس ادبیات داستانی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، **موج و مرجان**، تهران: سروش، چاپ اول.

- تولان، مایکل جی (۱۳۸۳)، *در آمدی نقادانه - زبان شناختی بر روایت*، ترجمه ابوالفضل خُری، تهران: بنیاد سینمایی فارابی، چاپ اول.

- جلالی ونوزی (۱۳۸۶)، *باران بر زمین سوخته*، تهران: تندیس، چاپ اول.

- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، *انواع ادبی*، تهران: میترا، چاپ سوم.

- لوتی، یاکوب (۱۳۸۶)، *مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما*، ترجمه امید نیک فرجام، تهران: مینوی خرد، چاپ اول.

- لوید، ژنوید (۱۳۸۰)، *هستی در زمان (خویشتن‌ها و راویان فلسفه و ادبیات)* ترجمه منوچهر حقیقی، تهران: دشتستان، چاپ اول.

- مکوئیلان، مارتین (۱۳۸۸)، *گزیده مقالات روایت*، ترجمه فتاح محمدی، تهران: مینوی خرد، چاپ اول.

- میر صادقی، جمال و میر صادقی (ذوالقدر)، میمنت (۱۳۷۷)، *واژه‌نامه هنر داستان نویسی (فرهنگ تفصیلی اصطلاحات ادبیات داستانی)*، تهران: کتاب مهناز، چاپ اول.

- محمود، احمد (۱۳۸۴)، *داستان یک شهر*، تهران: معین، چاپ هفتم.

- (۱۳۸۱)، *زمین سوخته*، تهران: معین، چاپ پنجم.

- (۱۳۸۰)، *مدار صفر درجه (سه جلد)*، تهران: معین، چاپ چهارم.

- (۱۳۷۹)، *درخت انجیر معابد (دو جلد)*، تهران: معین، چاپ اول.

- (۱۳۵۳)، *همسایه‌ها*، تهران: امیر کبیر، چاپ اول.

#### مقالات

- افخمی، علی و علوی، سیده فاطمه (۱۳۸۲)، «زبان شناسی روایت»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۱۶۵.

- سبز علی سنجانی، بتول (۱۳۸۶)، «نگاهی به نظریه روایت، داستان زندگی؛ معنی دار و پیوسته»، *مشاور مدرسه*، دوره سوم، شماره یکم.

- مهدی زاده فرد، بهروز و امامی، نصرالله (۱۳۸۸)، «بررسی چند شگرد روایی در قصه‌های مثنوی»، *فصلنامه تخصصی نقد ادبی*، سال ۲، شماره ۸.

# SID



ابزارهای  
پژوهش



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری  
STES



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش  
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی  
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش  
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش  
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word  
برای پژوهشگران